

نیازهای آموزشی بهره‌برداران در زمینه اقتصاد و مدیریت مزرعه

یحیی قائدی و غلامحسین حسینی نیا^۱

چکیده

گرچه نیازهای آموزشی بهره‌برداران از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است، اما تحقیق مستقلی که با کنار هم گذاشتن دانش و احساس نیاز آنها، اولویت نیازهای آموزشی آنها را استخراج کند، بندرت صورت گرفته است. این تحقیق میزان دانش و نیازهای آموزشی بهره‌برداران را در زمینه اقتصاد و مدیریت مزرعه بررسی کرده است. فرآیند تولید و فروش محصولات زراعی، مدیریت مالی، مدیریت کارکنان و مدیریت استراتژیک مزرعه به عنوان ابعاد اصلی مدیریت و اقتصاد مزرعه مورد توجه قرار گرفته‌اند. جامعه آماری تحقیق کلیه بهره‌برداران و کارشناسان جهاد کشاورزی در کل کشور می‌باشند که تعداد ۴۰۰ نفر از بهره‌برداران و ۱۷۰ نفر از کارشناسان با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. روش تحقیق، پیمایشی و ابزار پژوهش، پرسشنامه بود که روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که در سطح ملی: آشنایی با قوانین کار، آشنایی با نحوه انتقال تجارب و معلومات جدید به افراد شاغل در مزرعه، آشنایی با شیوه مدرن کاشت محصولات تولیدی، آشنایی با روشهای نظارت بر فرآیند تولید برای کنترل کیفیت و حفظ بازار پسندی محصولات تولیدی و آشنایی با شیوه‌های مدرن بسته‌بندی محصولات تولیدی، اولویت‌های ۱ تا ۵ نیازهای آموزشی بهره‌برداران می‌باشند.

واژگان کلیدی: مدیریت مزرعه، اقتصاد مزرعه، نیازسنجی آموزشی.

۱- به ترتیب استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران، و معاون پژوهش، برنامه ریزی و آموزش وزارت تعاون. (hossieninia@yahoo.com)

مقدمه

اقتصاد علمی است که طرز فکر و رفتار و اعمال انسان را در انجام کارهای روزمره‌اش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد (صدرالاشرفی، ۱۳۷۱). اقتصاد کشاورزی نیز به آن دسته از نظریه‌ها مربوط می‌شود که به تولید، توزیع و مصرف در کشاورزی مربوط هستند. از جمله مسائلی که در علم اقتصاد کشاورزی مطرح می‌شوند عبارتند از: (۱) اهداف و نظرات مدیر مزرعه، (۲) انتخاب محصولی که تولید می‌شود، (۳) تخصیص امکانات بین محصولات، (۴) فرضیه خطرپذیری و عدم اطمینان، (۵) محیط رقابت اقتصادی که واحد کشاورزی در آن فعالیت می‌کند (دبرتین، ۱۳۷۶). هدف اصلی علم اقتصاد و از جمله اقتصاد کشاورزی افزایش بهره‌وری می‌باشد. بهره‌وری یک نگرش واقع‌گرایانه به زندگی است که در آن انسان با فکر و هوشمندی خود فعالیت‌ها را با ارزش‌ها و واقعیت‌ها منطبق می‌سازد تا بهترین نتیجه را در جهت اهداف مادی و معنوی بگیرد. بررسی وضعیت بهره‌وری کشاورزی در ایران نشان می‌دهد که سطح بهره‌وری آن نسبت به کشورهای توسعه یافته و برخی کشورهای هم سطح پایین‌تر است. در بین عوامل موثر در رشد بهره‌وری، محوری بودن نقش بهره‌برداران عرصه‌های تولید کشاورزی، انکار ناپذیر است. بی‌شک افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی بیش از هر چیز نیازمند افزایش دانش و مهارت تک‌تک بهره‌برداران است که این امر خود مستلزم آرایه آموزش‌هایی در این خصوص به بهره‌برداران است. مدیریت مزرعه نیز قسمتی از اقتصاد کشاورزی است که عوامل تولید را مورد بررسی قرار داده و آنها را تجزیه و تحلیل می‌کند (صدرالاشرفی، ۱۳۷۱). رولز (Rolls, 2001) مدیریت مزرعه را علم سازماندهی، کنترل و حفظ منابع خاص به طریقی که سود مطلوب کشاورز به حداکثر برسد و نیز منافع مستمر حاصل شود، می‌داند. کمپ (Kemp et al., 2004) عنصر تصمیم‌گیری را در تعریف مدیریت مزرعه جای داده است. در کل عواملی که در مدیریت مزرعه مطرح می‌شوند عبارتند از: (۱) قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی (شکری خانقاه، ۱۳۷۶؛ صدرالاشرفی، ۱۳۷۱)، (۲) مقطعی بودن کار کشاورزی و بدهی و خطر آن در کشاورزی (حقی، ۱۳۷۳)،

(۳) نقش زارع به عنوان مدیر مزرعه، (۴) ابزار مدیریت مزرعه (کسل و بکر، ۱۳۶۰)، (۵) مهارت‌های مدیریت مزرعه (Boeholje et al., 2001)، و (۶) بازاریابی محصولات کشاورزی (شکری خانقاه، ۱۳۷۶). از آنجا که محور علم اقتصاد بطور کلی و اقتصاد و مدیریت کشاورزی به طور ویژه، انسان، تمایلات و آگاهی‌های اوست و از سوی دیگر افزایش بهره‌وری هدف اصلی اقتصاد است، آموزش، نقش اساسی را در این زمینه ایفا می‌کند. آموزش به عنوان واسطی است که کشاورزان را به اقتصاد پیوند می‌زند و از طریق آگاهی دادن و افزایش بهره‌وری پل ارتباطی بین این مفهوم را برقرار می‌سازد. از دیرباز مورد توجه قرار گرفته و باعث شده است که آموزش‌های مدیریت مزرعه به صورت رسمی و غیر رسمی رایج گردد و تحت عنوان اقتصاد کشاورزی در سال‌های اولیه قرن بیستم در آمریکا و اروپا توسعه یابد (Kemp et al., 2004). ضرورت امر آموزش کشاورزی از آنجا ناشی می‌شود که هر کشوری با میلیون‌ها کشاورز سرو کار دارد و برای هر تغییری، لازم است تمامی آنها متقاعد شوند (آرشیل، ۱۳۷۶). بررسی نیازهای کشاورزان که از آن تحت عنوان نیاز سنجی یاد می‌شود، یکی از نخستین مراحل در فرایند برنامه‌ریزی و تدوین برنامه‌های ترویج به شمار می‌رود. طبق یک تعریف کلی، نیازسنجی عبارت است از فرآیند نظام‌دار و اصولی برای تعیین اولویت‌ها و تصمیم‌گیری درباره چگونگی برنامه‌ریزی، تدوین و اجرای عملیات برنامه (سوان سون، ۱۳۸۱). عمده تحقیقات انجام شده در ایران (تا آنجا که محققین بدان دسترسی داشتند)، چه به صورت پایان‌نامه و چه به صورت پروژه‌های تحقیقی وزارتخانه‌ها و مؤسسات وابسته، معطوف به سنجش نیازهای آموزشی عاملین ترویج (کارشناسان، مروجان، مددکاران ترویجی و اعضای شوراهای اسلامی) بوده است. برای نمونه، حاجی میر رحیمی و زمانی (۱۳۸۱) طی یک مطالعه پیمایشی، مدلی را برای سنجش نیازهای آموزشی مروجین امور دام استان فارس مورد بررسی قرار داده‌اند. در پژوهش دیگر که توسط برخوردار (۱۳۷۲) انجام شده است، نیازهای آموزشی مدیران سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور در سه

تحقیقی را انجام دادند که در آن پاسخ دهندگان شامل کشاورزانی بودند که در کلاس‌های آموزشی ترویجی مدیریت مزرعه شرکت کرده و گروهی که شرکت نکرده بودند و از لحاظ دانش و استفاده از آن در حیطه موضوع با یکدیگر مقایسه شدند. نتایج نشان داد که افرادی که در کلاس‌ها شرکت نکرده بودند، دانش و توانایی خود در استفاده از دانش مدیریت مزرعه را در سطح بالاتری ارزیابی کرده‌اند و دیگر اینکه افرادی که یک بار در این کلاس‌ها شرکت کرده بودند تمایل بیشتری به شرکت در کلاس‌های آموزشی دیگر داشتند. این وضعیت نشان داد که این کلاس‌ها باعث شده‌اند که افراد به نیازهای خود به دانستن مطالب بیشتر درباره مزرعه پی ببرند.

یانگ (Young, 1998)، در مطالعه‌ای تحت عنوان تعیین نیازهای آموزشی کشاورزان به دانش مدیریت مزرعه، یک گروه مباحثه داوطلبانه در مناطق کلمبیا، کاتاراگیوس و کورتلند در آمریکا تشکیل داد. هدف از تشکیل این گروه ۳۳ نفره کسب درک بهتری از نیازهای کشاورزان به دانش ارتقای روش‌های ارائه اطلاعات و تقویت کارگاه‌های آموزشی مدیریت بود. نتایج این بحث‌ها نشان دهنده نیاز شدید به دانش درباره منابع انسانی برای اجتماع کشاورزان بود. شواهد دیگری نیز نشان می‌دهد که کشاورزان خرده‌پا به آگاهی از سیاست‌های دولت توجه کمتری نشان می‌دهند.

بررسی نتایج تحقیقات انجام گرفته در زمینه نیازهای آموزشی کشاورزان نشان دهنده آن است که نیازها از منطقه‌ای به منطقه دیگر و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و متأثر از عوامل مختلفی است از این رو به سختی می‌توان نیازهای کشاورزان در سایر کشورها را ملاک قرار داد. البته این مربوط به ماهیت تحقیقات نیازسنجی است؛ زیرا نیازها دایما در حال تغییر هستند و از فردی به فرد دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت می‌شوند. از این رو از نظر رتبه‌بندی و اولویت‌بندی نیازها نمی‌توان به یک اشتراک نظر رسید.

نظر به تعدد عوامل دخیل در اقتصاد و مدیریت کشاورزی و وجود آراء و نظریات مختلف، این تحقیق با استناد به نظریه بولجی و همکاران (Boehelje et al, 2002) انجام

سطح (عالی، میانی و اجرایی) بررسی و مطالعه گردیده است. فقیهی رضایی (۱۳۷۴) نیازهای آموزشی مدیران ترویج جهاد سازندگی را بررسی کرده است. ضیایی نجف آبادی (۱۳۷۵) طی تحقیقی نیازهای آموزشی کارکنان مراکز تحقیقاتی درجه یک منابع طبیعی و امور دام و وزارت جهاد سازندگی به منظور بهسازی برنامه‌ریزی آموزشی را مورد بررسی قرار داده است. ذوقی (۱۳۷۶) در تحقیق خود نیازهای آموزشی کارشناسان ترویج کشاورزی استان خراسان را نسبت به کشاورزی پایدار مورد بررسی قرار داده است. علی بیگی (۱۳۷۵) همچنین نیازهای آموزشی مروجان مراکز خدمات کشاورزی استان اصفهان و حمایت‌های مورد نیاز آنها را در پیشرفت اهداف ترویج مورد بررسی قرار داده است.

برخی شواهد نشان دهنده این هستند که نیاز به اطلاعات بازاریابی در بین نیازهای دیگر کشاورزان بسیار مهم به شمار می‌آیند، نتایج مطالعه‌ای که در جمهوری چک انجام شد، نشان می‌دهند که اطلاعات در مورد بازاریابی از نظر کشاورزان، رتبه اول و اطلاعات درباره فرآوری و فروش محصولات، رتبه دوم را به دست آورده است. در باب نیازهای آموزشی تولید کنندگان خرده‌پا، رتبه‌های اول تا سوم را آموزش‌های مبتنی بر تولید کسب کردند و رتبه‌های بعدی را به ترتیب اطلاعاتی درباره سیاست و توسعه روستایی به خود اختصاص دادند. مصنوعات تولیدی و فنی، رتبه‌های ششم و هفتم را کسب کردند. اطلاعات اداری، رتبه‌های هشتم و نهم را به خود اختصاص دادند که شامل اقتصاد، مالیات و امور مالی بود. از این یافته‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که کشاورزان خرده‌پا قبل از اینکه متوجه مسائل مدیریت مالی مزرعه باشند بیشتر در جستجوی درک این هستند که مزرعه به عنوان یک پدیده کاربردی، اکنون چگونه است و در آینده چگونه باید باشد (Rolls, 2001).

برخی مطالعات دیگر در زمینه بررسی نیازهای آموزشی کشاورزان متوجه متغیرهای تعدیل کننده و عوامل تأثیرگذار بر نیازهای آموزشی آنان نظیر سطح آموزش، نوع مالکیت و میزان شرکت در کلاس‌های آموزشی است. برزیله و همکاران (Breazeale et al., 2001)، در نودا

بهره‌برداران (جامعه اصلی) انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت. بدین ترتیب در مرحله اول و بر حسب نواحی جغرافیایی کشور، ۶ استان آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، زنجان، کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان و قم به عنوان نمونه انتخاب شدند. در مراحل بعد به ترتیب در هر استان نسبت به انتخاب شهرستان‌ها، بخش‌ها و روستاهای نمونه به صورت تصادفی اقدام بعمل آمد. با توجه به اینکه آزمون مدل علی در مورد نیازسنجی بهره‌برداران بخش کشاورزی، مدنظر این تحقیق نمی‌باشد، بنابراین طبقه‌بندی کلاسیک متغیرها به عنوان مستقل و وابسته در این تحقیق تا حدودی کم رنگ خواهد بود. با این وجود متغیر اصلی (اصطلاحاً متغیر وابسته) این تحقیق میزان نیاز آموزشی بهره‌برداران در زمینه اقتصاد و مدیریت مزرعه (در مقیاس ترتیبی) و متغیرهای فرعی (اصطلاحاً مستقل) مربوط به جامعه بهره‌برداران عبارتند از: جنسیت، سن، سواد، وضعیت اشتغال، سابقه کشاورزی، سابقه دامداری سطح واحد بهره‌برداری.

ابزار اصلی مورد استفاده در این تحقیق، پرسشنامه می‌باشد. به منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز بر اساس پرسش‌های تحقیق، دو نوع پرسشنامه ویژه بهره‌برداران با ۴۰ سؤال به صورت دو وجهی یا خورجینی که در یک طرف آن میزان دانش بهره‌برداران و در سمت دیگر آن میزان نیاز آنان مورد سؤال قرار گرفته بود و پرسشنامه ویژه کارشناسان با ۴۱ سؤال تهیه گردید، برای سنجش روایی صوری پرسشنامه تنظیم شده از نقطه نظرات کارشناسان ارشد معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری و اساتید و محققان مرتبط استفاده شد. برای بدست آوردن اعتبار پرسشنامه در این تحقیق از فرمول آلفای کرونباخ استفاده شد و قابلیت اعتماد بخش‌های مختلف پرسشنامه برای پرسشنامه بهره‌برداران ۰.۸۴٪ و پرسشنامه کارشناسان ۰.۷۶٪ به تأیید رسید. بخش‌های اصلی پرسشنامه به همراه تعداد گویه‌ها و شیوه سنجش در جدول ۱ آورده شده‌اند.

گرفته است. این نظریه، مهارت‌های اقتصاد و مدیریت کشاورزی را در هشت طبقه اساسی قرار داده است که هر طبقه شامل طبقات فرعی متعددی است. این مهارت‌ها عبارتند از: (۱) مهارت‌های مدیریت تولید، (۲) مهارت‌های مدیریت فروش، (۳) مهارت‌های مدیریت مالی، (۴) مهارت‌های مدیریت کارکنان، (۵) موضع‌گیری استراتژیک (۶) مهارت‌های مدیریت ارتباطات، (۷) مهارت‌های رهبری و (۸) مهارت‌های مدیریت ریسک. البته محققان با توجه به بررسی اولیه و اخذ نظرات کارشناسان و متخصصان ترویج، و نیز بر اساس نتایج تحقیقات اشاره شده، برخی از این مهارت‌ها و اجزاء فرعی آن را حذف و یا تغییر داده‌اند. برخی از متغیرهای جمعیت شناختی هم مدنظر قرار گرفته است. از اینرو این تحقیق به دنبال پاسخ به سؤالات زیر می‌باشد:

- ۱) بهره‌برداران در زمینه اقتصاد و مدیریت کشاورزی از چه میزان دانش برخوردارند؟
- ۲) بهره‌برداران در زمینه اقتصاد و مدیریت مزرعه دارای چه نیازهای آموزشی هستند؟
- ۳) نیازهای آموزشی بهره‌برداران در زمینه اقتصاد و مدیریت مزرعه دارای چه اولویت‌هایی است؟
- ۴) اطلاعات و نیازهای آموزشی بهره‌برداران با چه عواملی ارتباط دارد؟

روش پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، میزان نظارت و درجه کنترل متغیرها و قابلیت تعمیم، از نوع تحقیق پیمایشی است. این پیمایش به روش مقطعی به منظور گردآوری داده‌ها درباره میزان نیاز آموزشی بهره‌برداران در یک مقطع از زمان از طریق نمونه‌گیری از جامعه انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه بهره‌برداران و کارشناسان جهاد کشاورزی استان‌ها تشکیل می‌دهند. برای تعیین حجم نمونه کارشناسان در استان‌های مورد مطالعه، با استفاده از فرمول کوکران ۱۷۰ نفر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. برای تعیین حجم نمونه بهره‌برداران نیز بر طبق جدول مورگان تعداد ۴۰۰ نفر بعنوان اعضای نمونه از بین

نتایج و بحث

۱- بررسی میزان دانش بهره‌برداران در زمینه اقتصاد و مدیریت مزرعه از دیدگاه بهره‌برداران

جدول ۲ میزان دانش بهره‌برداران در زمینه اقتصاد و مدیریت مزرعه را در ابعاد تولید محصولات زراعی، فروش محصولات زراعی، مدیریت مالی مزرعه و مدیریت کارکنان مزرعه نشان می‌دهد. از آنجا که ارائه همه نتایج در این مقاله میسر نبود، برای هر بعد تنها به سه گویه‌ای که بهره‌برداران کمترین دانش را در این زمینه داشته‌اند، اشاره شده است. بدین علت کمترین دانش بهره‌برداران ملاک رتبه‌بندی قرار گرفته است. هر چه بهره‌برداران دانش کمتری داشته باشند، انتظار می‌رود که در همان زمینه نیاز آموزشی بیشتری داشته باشند. بر این اساس در زمینه تولید محصولات زراعی از میان ۱۶ گویه، نیازهای بهره‌برداران بر اساس اولویت عبارتند از: (۱) ثبت اطلاعات در مراحل تولید (۲) اطلاعات پیرامون بازار آینده محصول انتخابی (۳) آشنایی با روش‌های ترکیب مناسب عوامل تولید بهره‌برداران در این زمینه‌ها دارای کمترین دانش می‌باشند (جدول ۲).

۲. بررسی میزان نیازهای آموزشی بهره‌برداران از دیدگاه کارشناسان و بهره‌برداران بر حسب زمینه‌های نیاز

جدول ۳ نیازهای آموزشی بهره‌برداران در زمینه مدیریت و اقتصاد مزرعه را از دیدگاه آنان در چهار بعد و از دیدگاه کارشناسان در پنج بعد نشان می‌دهد. میزان شباهت بین نظرات بهره‌برداران و کارشناسان یکی از عوامل اولویت‌بندی نیازها می‌باشد. به طور کلی کارشناسان برآورد بالاتری از نیازهای بهره‌برداران به نسبت برآورد توسط بهره‌برداران داشته‌اند (میانگین و درصد بالاتر). در زمینه نیازهای آموزشی بهره‌برداران در بعد تولید محصولات زراعی در دو زمینه تقریباً اشتراک نظر وجود دارد و در یک زمینه متفاوت است. در بعد فروش محصولات زراعی در یک زمینه (صرف نظر از رتبه آن) اشتراک نظر وجود دارد. در بعد مدیریت مالی مزرعه در دو زمینه (اولویت ۱ و ۲) اشتراک نظر وجود دارد. در بعد

مدیریت کارکنان مزرعه در سه زمینه اشتراک نظر وجود دارد. کارشناسان معتقدند که بهره‌برداران باید در بعد مدیریت استراتژیک مزرعه آموزش‌هایی را بر اساس اولویت ۱ تا ۳ ببینند.

۳. اولویت‌های ده گانه نیازهای آموزشی بهره‌برداران

جدول ۴ اولویت‌بندی ده گانه نیازهای آموزشی بهره‌برداران از میان ۴۱ گویه را نشان می‌دهد. این اولویت‌بندی طی جمع‌بندی و با هم‌نگری سه نوع اولویت‌بندی ارائه شده در جدول ۲ و ۳ حاصل شده است تا نشان دهد تا چه اندازه بین میزان دانش بهره‌برداران، نیازهای آموزشی آنها از دیدگاه کارشناسان و خود بهره‌برداران هم‌گرایی وجود دارد.

بر این اساس آشنایی با قوانین کار و آشنایی با نحوه انتقال تجارب و معلومات جدید به افراد شاغل در مزرعه در رتبه اول و دوم قرار می‌گیرند. رتبه سوم تا هشتم مربوط به نیازهایی است که مورد نظر بهره‌برداران و کارشناسان است و رتبه نه و ده مربوط به نیازهایی است که بهره‌برداران در آن زمینه کمترین دانش را داشته‌اند و در عین حال به عنوان نیاز آموزشی خود اعلام نموده‌اند.

۵- رابطه بین متغیرهای شخصی و میزان دانش فعلی بهره‌برداران

در جدول ۵ نتایج همبستگی متغیرهای شخصی بهره‌برداران با میزان اطلاعات فعلی آنها در زمینه اقتصاد و مدیریت مزرعه آورده شده است. لازم به یادآوری است تنها به ذکر مواردی که رابطه آنها معنی دار بوده است، اکتفا شده است. همانگونه که جدول نشان می‌دهد رابطه بین سن و میزان اطلاعات نوین در زمینه تولید محصولات کشاورزی با مقدار ضریب همبستگی $r = -0/201$ در سطح $p = 0/001$ معنی‌دار می‌باشد. بنابراین بین این دو متغیر رابطه معنی دار و منفی وجود دارد. یعنی با افزایش سن بهره‌برداران، میزان اطلاعات جدید آنها در زمینه تولیدات محصولات کشاورزی و تنظیم آن متناسب با بازار کاهش می‌یابد. رابطه بین سن و میزان اطلاعات کلی در زمینه اقتصاد و مدیریت مزرعه نیز در سطح ۵ درصد معنادار می‌باشد. ضریب همبستگی محاسبه شده در این خصوص $r = -0/136$ می‌باشد. بین این دو متغیر رابطه منفی

کاهش می‌یابد و بهره‌برداران جوانتر اطلاعات بیشتری در این زمینه دارند.

و معنی‌دار وجود دارد که نشان می‌دهد با افزایش سن میزان اطلاعات کلی در زمینه اقتصاد و مدیریت مزرعه

جدول ۱- اطلاعات تفصیلی در مورد پرسشنامه‌های بهره‌برداران و کارشناسان*

ردیف	زمینه سؤال	بهره‌برداران	کارشناسان
۱	فایده محصولات زراعی	۱. تهیه نهادها ۲. وام و اعتبارات ۳. نوع محصول ۴. زمان کاشت و برداشت ۵. هزینه ها ۶. زمین ۷. بازار ۸. خطرپذیری ۹. شیوه‌های مدرن کاشت ۱۰. ثبت اطلاعات در مراحل تولید ۱۱. ابزارآلات ۱۲. نقش واسطه‌ها ۱۳. نقش مشاورین و کارشناسان کشاورزی ۱۴. روش‌های نظارت بر فرایند تولید ۱۵. هزینه‌های غیر ضروری ۱۶. ترکیب مناسب عوامل تولید	۱. تهیه نهادها ۲. وام و اعتبارات ۳. نوع محصول ۴. زمین ۵. بازار ۶. خطرپذیری ۷. شیوه‌های مدرن کاشت ۸. ثبت اطلاعات در مراحل تولید ۹. ابزارآلات ۱۰. نقش واسطه‌ها ۱۱. نقش مشاورین و کارشناسان کشاورزی ۱۲. روش‌های نظارت بر فرایند تولید ۱۳. هزینه‌های غیر ضروری ۱۴. ترکیب مناسب عوامل تولید
۲	فروش محصولات زراعی	۱. بازارهای فروش محصولات ۲. بازار رسانی ۳. نگهداری و انبار داری ۴. ضایعات محصولات ۵. بسته بندی ۶. قیمت گذاری ۷. نقش تشکل ها ۸ سیاست‌های دولت در زمینه بازار ۹. سازمانهای حمایتی کشاورزان ۱۰. بازار بورس	۱. بازارهای فروش محصولات ۲. بازار رسانی ۳. بسته‌بندی ۴. قیمت‌گذاری ۵. نقش تشکل‌ها ۶. سیاست‌های دولت در زمینه بازار ۷. سازمان‌های حمایتی کشاورزان ۸. بازار بورس
۳	مدیریت مالی مزرعه	۱. محاسبه هزینه- فایده محصولات ۲. منابع مالی و اعتباری ۳. حسابداری مزرعه ۴. مالیات ۵. وامها ۶. مدیریت مالی مزرعه ۷. بیمه ۸. مدیریت مزرعه در مواقع بحرانی ۹. ریسک و خطرپذیری	۱. محاسبه هزینه- فایده محصولات ۲. منابع مالی و اعتباری ۳. حسابداری مزرعه ۴. مالیات ۵. وامها ۶. مدیریت مالی مزرعه ۷. بیمه ۸. مدیریت مزرعه در مواقع بحرانی ۹. ریسک و خطرپذیری
۴	مدیریت کارکنان مزرعه	۱. تقسیم کار در مزرعه ۲. انتقال تجارب و معلومات جدید به افراد ۳. برقراری ارتباط ۴. ارزیابی ۵. قانون کار	۱. تقسیم کار در مزرعه ۲. انتقال تجارب و معلومات جدید به افراد ۳. برقراری ارتباط ۴. ارزیابی ۵. قانون کار
۵	مدیریت استراتژیک مزرعه	××	۱. مشتریان تولیدات مزرعه ۲. آگاهی از تغییرات ۳. تشخیص موانع موفقیت در کار ۴. یافتن روش‌های جدید و بهتر انجام کارها ۵. سازگاری با تغییر در مقابل مقاومت در برابر تغییر

* مقیاس پرسشنامه در همه موارد عبارت است از خیلی زیاد= ۵، زیاد= ۴، تا حدی= ۳، کم= ۲، خیلی کم= ۱ و هیچ = ۰
 ×× در زمینه مدیریت استراتژیک مزرعه برای بهره برداران سؤالی در پرسشنامه گنجانده نشد.

جدول ۲- میزان دانش بهره برداران در زمینه اقتصاد و مدیریت مزرعه

رتبه	میانگین	نوع دانش (براساس کمترین دانش)	زمینه دانش
××	×		
۱	۲/۱۱۵	۱. ثبت اطلاعات در مراحل تولید	
۲	۲/۲۲	۲. اطلاعات پیرامون بازار آینده محصول انتخابی	تولید محصولات زراعی (۱۷ گویه)
۳	۲/۲۳	۳. آشنایی با روشهای ترکیب مناسب عوامل تولید	
۱	۱/۸۸	۱. آشنایی با بورس محصولات کشاورزی	
۲	۱/۹۵	۲. آشنایی با فعالیت های سازمانهای حمایتی کشاورزان	فروش محصولات
۳	۲/۲۰	۳. آشنایی با سیاست های دولت در زمینه بازار محصولات زراعی	زراعی (۱۰ گویه)
۱	۱/۸۱	۱. مبحث مالیات و معافیت های مالیاتی بخش کشاورزی	مدیریت مالی
۲	۱/۸۳	۲. کاهش ریسک و خطرپذیری در مزرعه	مزرعه (۹ گویه)
۳	۱/۸۶	۳. آشنایی با شیوه های حسابداری در مزرعه	
۱	۲/۱۵	۱. آشنایی با قوانین کار	
۲	۲/۸۴	۲. آشنایی با شیوه های ارزیابی نحوه و میزان فعالیت افراد مشغول در مزرعه	مدیریت کارکنان واحد کشاورزی
۳	۲/۹۵	۳. آشنایی با شیوه های انتقال تجارب و معلومات جدید به افراد شاغل در مزرعه	(۵ گویه)

× حداکثر و حداقل میانگین به ترتیب ۵ و صفر است.

×× رتبه در زمینه موضوعی و در میان گویههای همان زمینه بدست آمده است.

جدول ۳ - نیازهای آموزشی بهره‌برداران از دیدگاه کارشناسان و خود بهره‌برداران

ردیف	ب.ج.	زمینه‌های نیاز از دیدگاه کارشناسان	ردیف	ب.ج.	زمینه‌ها نیاز از دیدگاه بهره‌برداران	ابعاد نیاز
۴/۱۲	۱ (در میان ۱۴ گویه)	آشنایی با شیوه های مدرن کاشت محصولات جهت افزایش	۳/۷۸	۱ (در میان ۱۶ گویه)	آشنایی با شیوه های مدرن کاشت محصولات جهت افزایش تولید	تولید محصولات زراعی
۱۰۰۵	۲	آشنایی با نقش مشاورین و کارشناسان کشاورزی در افزایش محصولات کشاورزی	۳/۷۶	۲	آشنایی با روشهای نظارت بر فرایند تولید برای کنترل کیفیت و حفظ بازاری پسندی محصولات	تولید محصولات زراعی
۳/۹۱	۳	آشنایی با روشهای نظارت بر فرایند تولید برای کنترل کیفیت و حفظ بازاری پسندی محصولات	۳/۷۳	۳	آشنایی با کاهش هزینه های غیر ضروری در فرایند تولید	تولید محصولات زراعی
۳/۶۹	۱ (در میان ۸ گویه)	آشنایی با نقش تشکل ها در فروش بی واسطه محصولات کشاورزی	۳/۷۳	۱ (در میان ۱۰ گویه)	آشنایی با شیوه‌های صحیح کاهش ضایعات محصولات تولیدی	فروش محصولات زراعی
۳/۸۷	۲	آشنایی با شیوه‌های مدرن بسته‌بندی محصولات تولیدی	۳/۷۲	۲	آشنایی با روش‌های قیمت گذاری محصولات کشاورزی	فروش محصولات زراعی
۳/۷۵	۳	آشنایی با سیاست های کلی دولت در زمینه بازار محصولات کشاورزی	۳/۶۵	۳	آشنایی با شیوه‌های مدرن بسته‌بندی محصولات تولیدی	فروش محصولات زراعی
۴/۰۸	۱ (در میان ۹ گویه)	آشنایی با روشهای مدیریت مزرعه در مواقع بحرانی	۳/۸۱	۱ (در میان ۹ گویه)	آشنایی با روشهای مدیریت مزرعه در مواقع بحرانی	مدیریت مالی مزرعه
۳/۹۲	۲	آشنایی با نحوه بیمه محصولات کشاورزی	۳/۶۷	۲	آشنایی با نحوه بیمه محصولات کشاورزی	مدیریت مالی مزرعه
۳/۸۵	۳	آشنایی با شیوه های کاهش ریسک و خطر پذیری در مزرعه	۳/۶۳	۳	آشنایی با روشهای مختلف مدیریت مالی مزرعه	مدیریت مالی مزرعه
۳/۷۸	۱ (در میان ۵ گویه)	آشنایی با قوانین کار	۳/۷۵	۱ (در میان ۵ گویه)	آشنایی با قوانین کار	مدیریت کارکن مزرعه
۳/۶۲	۲	آشنایی با شیوه های انتقال تجارب و معلومات جدید به افراد شاغل در مزرعه	۳/۴۴	۲	آشنایی با شیوه برقراری ارتباط مناسب با افراد مشغول در مزرعه	مدیریت کارکن مزرعه
۳/۴۹	۳	آشنایی با شیوه برقراری ارتباط مناسب با افراد شاغل در مزرعه	۳/۴۰	۳	آشنایی با شیوه های انتقال تجارب و معلومات جدید به افراد شاغل در مزرعه	مدیریت کارکن مزرعه
۳/۸۵	۱ (در میان ۵ گویه)	آشنایی با شیوه های جستجو برای یافتن روشهای جدید و بهتر انجام کارها				مدیریت استراتژیک مزرعه
۳/۷۸	۲	آشنایی با روشهای تشخیص موانع موفقیت در کار و توسعه راه هایی برای غالب آمدن بر آنها			برای بهره برداران مورد سنجش قرار نگرفت	مدیریت استراتژیک مزرعه
۳/۶۶	۳	آگاهی از تغییرات در تولیدات و توسعه راه هایی برای استفاده از این تغییرات				مدیریت استراتژیک مزرعه

جدول ۴ - اولویت‌های ده گانه نیازهای آموزشی بهره برداران براساس سه عامل دانش محدود بهره برداران، نظر بهره‌برداران و نظر کارشناسان

دلیل اولویت			بعد	نیاز	اولویت
دانش محدود بهره‌برداران	مورد نظر بهره‌برداران	مورد نظر کارشناسان			
X	X	X	مدیریت کارکنان واحد کشاورزی	آشنایی با قوانین کار	۱
X	X	X	مدیریت کارکنان واحد کشاورزی	آشنایی با نحوه انتقال تجارب و معلومات جدید به افراد شاغل در مزرعه	۲
.....	X	X	تولید محصولات زراعی	آشنایی با شیوه‌های مدرن کاشت محصولات زراعی	۳
.....	X	X	تولید محصولات زراعی	آشنایی با روشهای نظارت بر فرایند تولید برای کنترل کیفیت و حفظ بازارپسندی محصولات زراعی	۴
.....	X	X	فروش محصولات زراعی	آشنایی با شیوه‌های مدرن بسته بندی محصولات زراعی	۵
.....	X	X	مدیریت مالی مزرعه	آشنایی با روشهای مدیریت مزرعه در مواقع بحرانی	۶
.....	X	X	مدیریت مالی مزرعه	آشنایی با نحوه بیمه محصولات کشاورزی	۷
.....	X	X	مدیریت کارکنان مزرعه	آشنایی با شیوه های برقراری ارتباط مناسب با افراد مشغول در مزرعه	۸
X	X	فروش محصولات زراعی	آشنایی با سیاست های دولت در زمینه بازار محصولات زراعی	۹
X	X	مدیریت مالی مزرعه	آشنایی با شیوه‌های کاهش ریسک و خطرپذیری در مزرعه	۱۰

جدول ۵ - رابطه بین متغیرهای شخصی و میزان اطلاعات فعلی بهره برداران

ردیف	متغیر مستقل (متغیرهای شخصی)	میزان دانش بهره‌برداران	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معنی‌داری (P)
۱	سن	میزان اطلاعات نوین بهره برداران در زمینه تولید محصولات زراعی	-۰/۲۰۱	۰/۰۰۱
۲		میزان اطلاعات کلی در زمینه اقتصاد و مدیریت مزرعه	-۰/۱۳۶	۰/۰۲۶
۳		میزان اطلاعات نوین در زمینه تولید محصولات زراعی	۰/۳۰۶	۰/۰۰۱
۴		میزان اطلاعات در زمینه فروش محصولات کشاورزی	۰/۱۹۸	۰/۰۰۱
۵	سطح سواد	میزان اطلاعات در زمینه مدیریت مالی مزرعه	۰/۱۴۰	۰/۰۲
۶		میزان اطلاعات در زمینه مدیریت کارکنان واحد تولیدی	۰/۱۷۷	۰/۰۰۳
۷		میزان اطلاعات کلی در زمینه اقتصاد و مدیریت مزرعه	۰/۲۶۷	۰/۰۰۱
۸	وسعت واحد تولیدی باغی	میزان اطلاعات در زمینه فروش محصولات	۰/۲۴۳	۰/۰۰۲
۹		میزان اطلاعات در زمینه مدیریت کارکنان واحد تولیدی	۰/۲۵۶	۰/۰۰۱
۱۰		میزان اطلاعات در زمینه اقتصاد مدیریت مزرعه	۰/۲۴۶	۰/۰۰۲

زمینه‌های فوق افزایش می‌یابد و باغداران بزرگ اطلاعات بیشتری در زمینه اقتصاد و مدیریت واحد تولیدی دارند.

۵- رابطه بین متغیرهای تحقیق و میزان نیاز آموزشی بهره‌برداران

در جدول ۶ نتایج تحلیل همبستگی به تفکیک مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که بین متغیر سواد و میزان نیاز به آموزش در زمینه فروش محصولات زراعی رابطه مثبت و معنی‌داری ($r=0/118$ و $p=0/001$) وجود دارد. بعبارت دیگر با افزایش سواد، میزان نیاز ابراز شده از سوی بهره‌برداران در زمینه فروش محصولات کشاورزی بیشتر شده است که این نشان دهنده شناخت بیشتر افراد با سواد بالاتر و احساس نیاز بیشتر می‌باشد.

همچنین بین متغیر وسعت واحد تولیدی با متغیرهای میزان نیاز به آموزش در زمینه تولید محصولات ($r=-0/133$ و $p=0/048$) و میزان نیاز کلی به آموزش اقتصاد و مدیریت مزرعه ($r=-0/137$ و $p=0/043$) رابطه منفی و معنی‌داری در سطح ۵ درصد وجود دارد.

بعبارت بهتر با افزایش وسعت واحد تولیدی کشاورزی، میزان نیاز به آموزش در زمینه تولید محصولات زراعی کاهش می‌یابد و کشاورزان بزرگ مالک از نیاز کمتری در این زمینه برخوردارند.

همانگونه که در جدول ۵ آمده است بین متغیر سواد و متغیرهای میزان اطلاعات در زمینه تولید محصولات زراعی ($r=0/306$ و $p=0/001$)، میزان اطلاعات در زمینه فروش محصولات کشاورزی ($r=0/198$ و $p=0/001$)، میزان اطلاعات در زمینه مدیریت مالی مزرعه ($r=0/140$ و $p=0/002$)، میزان اطلاعات در زمینه مدیریت کارکنان واحدهای تولیدی ($r=0/177$ و $p=0/003$) و میزان اطلاعات در زمینه اقتصاد و مدیریت واحدهای کشاورزی ($r=0/267$ و $p=0/001$) رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بعبارت بهتر، با افزایش سواد بهره‌برداران، میزان اطلاعات آنها در زمینه مدیریت تولید، مدیریت فروش، مدیریت مالی و مدیریت کارکنان واحدهای تولیدی کشاورزی افزایش می‌یابد به طوری که افراد با سطح سواد بالاتر از اطلاعات بیشتری در زمینه اقتصاد و مدیریت واحد کشاورزی برخوردارند.

همچنین بین متغیر وسعت واحدهای تولیدی باغی و هر یک از متغیرهای میزان اطلاعات در زمینه فروش محصولات ($r=0/243$ و $p=0/002$)، میزان اطلاعات در زمینه مدیریت کارکنان واحد تولیدی ($r=0/246$ و $p=0/002$) و میزان اطلاعات کلی در زمینه اقتصاد و مدیریت مزرعه ($r=0/256$ و $p=0/001$) رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. یعنی با افزایش وسعت واحدهای تولیدی باغی میزان اطلاعات بهره‌برداران در هر یک از

جدول ۶ - رابطه بین متغیرهای تحقیق و میزان نیاز آموزشی بهره‌برداران

ردیف	متغیر تحقیق	میزان نیاز آموزشی	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری (P)
۱	سطح سواد	میزان نیاز به آموزش در زمینه فروش محصولات زراعی	۰/۱۱۸	۰/۰۰۱
۲	وسعت واحد تولیدی	میزان نیاز به آموزش در زمینه تولید محصولات زراعی	-۰/۱۳۳	۰/۰۴۸
۳	وسعت واحد تولیدی	نیاز به آموزش اقتصاد و مدیریت مزرعه	-۰/۱۳۷	۰/۰۴۳
۴	میزان آگاهی در زمینه تولید محصولات	میزان نیاز به آموزش در زمینه تولید	-۰/۲۱۲	۰/۰۰۱
۵	سن	میزان نیاز کلی به آموزش اقتصاد و مدیریت مزرعه	-۰/۵۳	۰/۳۸۲
۶	سطح سواد	میزان نیاز کلی به آموزش اقتصاد و مدیریت مزرعه	۰/۰۲۵	۰/۶۷۶

محصولات زراعی در رتبه ۱ تا ۳ قرار گرفته است که با تحقیق حاضر همخوانی دارد. به طور کلی نیازهای آموزشی هر گروه از کشاورزان متأثر از عوامل مختلفی است که توضیح دهنده دلایل همخوانی و نا همخوانی آنهاست.

بررسی و مقایسه دانش بهره‌برداران و نیازهای آنان از دیدگاه کارشناسان در زمینه تولید محصولات زراعی نشان می‌دهد که (۱) بین مواردی که بهره‌برداران اطلاعات خود را در آن کمتر برآورد کرده‌اند و زمینه‌هایی که جزء نیاز آموزشی اولویت اول تا سوم خود اعلام کرده‌اند، بر اساس اطلاعات توصیفی همخوانی وجود ندارد. به عبارت دیگر گرچه بهره‌برداران در مواردی اطلاعات خود را کمتر از سایر موارد دانسته‌اند، اما آنها را جزء نیازهای آموزشی اولویت اول تا سوم خود اعلام نکرده‌اند. در توضیح این امر می‌توان گفت که بین گویه‌هایی که بهره‌برداران جزء نیازهای اولویت اول تا سوم خود اعلام کرده‌اند و سایر موارد از نظر مقدار میانگین حداکثر ۰/۵ نمره تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر آنها در همه موارد به آموزش نیاز دارند و رتبه‌بندی و اولویت‌دهی امری نسبی است. نکته دیگر آن که ممکن است فردی در زمینه‌هایی اطلاعات محدودی داشته باشد، در عین حال خود را نیازمند آموزش در آن زمینه نبیند. در این موارد می‌توان آنها را جزء نیازهای نامحسوس بهره‌برداران اعلام نمود.

(۲) بین دیدگاه بهره‌برداران از نیازهای آموزشی خود و دیدگاه کارشناسان در زمینه تولید محصولات زراعی هماهنگی بیشتری وجود دارد. به عبارت دیگر در دو اولویت از سه اولویت، آنها دیدگاه مشترکی دارند که عبارتند از: آشنایی با شیوه‌های مدرن کاشت محصولات جهت افزایش تولید، آشنایی با روش‌های نظارت بر فرآیند تولید برای کنترل کیفیت و حفظ بازار پسندی محصولات. بررسی و مقایسه اطلاعات بهره‌برداران، نیازهای بهره‌برداران از دیدگاه کارشناسان و دیدگاه خود بهره‌برداران در زمینه فروش محصولات تولیدی نشان می‌دهد که بین مواردی که بهره‌برداران، اطلاعات خود را در آن زمینه محدود دانسته‌اند و مواردی که جزء نیازهای آموزشی اولویت‌دار خود اعلام کرده‌اند، هماهنگی وجود ندارد. در عین حال می‌توان زمینه‌هایی را که دانش

همچنین با افزایش وسعت تولید زراعی میزان نیاز کلی به آموزش اقتصاد و مدیریت مزرعه نیز کاهش می‌یابد و کشاورزان بزرگ مالک از نیاز کمتری در این زمینه برخوردارند. رابطه بین میزان آگاهی در زمینه تولید محصولات و میزان نیاز به آموزش در زمینه تولید محصولات کشاورزی ($r = -0.212$ و $p = 0.001$) نیز منفی و معنی‌دار می‌باشد؛ یعنی افرادی که دانش و اطلاعات بیشتری در زمینه تولید (محصولات کشاورزی) دارند، نیاز به آموزش کمتری در این زمینه داشته‌اند. بین متغیرهای سن و سطح سواد و میزان نیاز کلی به آموزش اقتصاد و مدیریت مزرعه نیز هیچ رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

نتیجه گیری

گرچه در تحقیقات نیازسنجی، مقایسه نتایج با سایر تحقیقات مرسوم نیست، زیرا نیازها منحصر به فرد هستند و مربوط به مکان خاص هستند، اما برخی روندهای آن قابل مقایسه است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین سواد و میزان نیازهای آموزشی بویژه در زمینه‌های مدیریت مالی مزرعه، و مدیریت کارکنان واحد کشاورزی رابطه معنی‌دار وجود دارد. این نتایج با مطالعه‌ای که در کشور چک انجام شد (Rolls, 2001) و نتایج تحقیق برزیله و همکاران وی (Breazeale et al., 2001) همخوانی دارد. رابطه بین وسعت واحدهای تولیدی و برخی پارامترها نظیر نیاز کلی به آموزش، نیاز به آموزش در زمینه تولید محصولات زراعی و فروش محصولات زراعی مورد تأیید قرار گرفته است که این نتایج با نتایج تحقیقات انجام شده توسط رولز (Rolls, 2001) مبنی بر تفاوت بین کشاورزان خرده‌پا و عمده‌تر در زمینه نیازهای آموزشی، همخوانی دارد. در زمینه اولویت‌بندی نیازهای آموزشی نتایج پژوهش یانگ (Young, 1998)، با برخی از نتایج این تحقیق هماهنگی دارد. در پژوهش حاضر نیازهای آموزشی مدیریت کارکنان واحد کشاورزی، رتبه اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند. این اولویت‌بندی با نتایج پژوهش رولز (Rolls, 2001)، مبنی بر اولویت‌بندی نیازهای آموزشی کشاورزان خرده‌پا هماهنگ است، همچنین در آن پژوهش نیازهای آموزشی در زمینه تولید

بررسی دیدگاه کارشناسان در رابطه نیازهای آموزشی بهره‌برداران در زمینه مدیریت استراتژیک مزرعه، اولویت‌های اعلام شده را می‌توان جزء نیازهای نامحسوس بهره‌برداران اعلام نمود.

بنابراین بر اساس نتایج تحقیق و اولویت نیازهای ده گانه پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی در زمینه‌های آشنایی با قوانین کار، آشنایی با نحوه انتقال تجارب و معلومات جدید به افراد شاغل در مزرعه، آشنایی با شیوه‌های مدرن کاشت محصولات تولیدی، آشنایی با روش‌های نظارت بر فرایند تولید برای کنترل کیفیت محصول و حفظ بازار پسندی محصولات تولیدی، آشنایی با شیوه‌های مدرن بسته‌بندی محصولات تولیدی، آشنایی با روش‌های مدیریت مزرعه در مواقع بحرانی، آشنایی با نحوه بیمه محصولات کشاورزی، آشنایی با شیوه‌های برقراری ارتباط مناسب با افراد شاغل در مزرعه، آشنایی با سیاست‌های دولت در زمینه بازار محصولات تولیدی و آشنایی با شیوه‌های کاهش ریسک و خطرپذیری در مزرعه در سطح ملی برای مرتفع ساختن نیازها تدوین و اجرا شود.

همچنین برای مزارع بزرگ به نیازهای نامحسوس بهره‌برداران در زمینه مدیریت استراتژیک (بر اساس نظرات کارشناسان) مزرعه توجه گردد و در این رابطه در سطح ملی برنامه‌های آموزشی در زمینه‌های آشنایی با شیوه‌های جستجو برای یافتن روش‌های جدید و بهتر انجام کارها، آشنایی با روش‌های تشخیص موانع موفقیت در کار و توسعه راه‌هایی برای غلبه بر آنها، و آگاهی از تغییرات در تولیدات و توسعه راه‌هایی برای استفاده از این تغییرات طراحی گردد. در زمینه‌های تحقیقاتی نیز پیشنهادهای بدین شرح ارائه می‌گردد: ۱- در یک تحقیق تداومی بررسی گردد که آیا نیازهای نامحسوس بهره‌برداران در مواردی که اطلاعات محدودی داشته‌اند ولی آن را جزء نیازهای آموزشی اولویت‌دار خود اعلام نکرده‌اند، به نیازهای محسوس تبدیل می‌گردد یا خیر. ۲- بررسی شود که دیدگاه کارشناسان در زمینه نیازهای آموزشی بهره‌برداران بویژه در مواردی که با نظر بهره‌برداران همخوانی ندارد، تا چه اندازه به نیازهای واقعی بهره‌برداران اشاره دارد.

بهره‌برداران در آن محدود است، جزء نیازهای نامحسوس و یا آتی آنها در نظر گرفت. در یک مورد که بهره‌برداران اطلاعات خود را در آن زمینه محدود دانسته‌اند، یعنی آگاهی از سیاست‌های دولت در زمینه بازار محصولات تولیدی و نظر کارشناسان هماهنگی وجود دارد. بین دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان در مورد نیازهای آموزشی بهره‌برداران تنها در یک مورد هماهنگی وجود دارد و آن آشنایی با شیوه‌های مدرن بسته‌بندی محصولات تولیدی است.

بررسی و مقایسه دانش بهره‌برداران، نیازهای آموزشی آنان از دو دیدگاه مورد نظر در پژوهش در زمینه مدیریت مالی مزرعه نشان می‌دهد که بین مواردی که بهره‌برداران دانش خود را در آن زمینه محدود دانسته‌اند و مواردی که جزء نیازهای آموزشی اولویت اول تا سوم، خود اعلام کرده‌اند، هماهنگی وجود ندارد. دلیل این امر را می‌توان عدم نیاز به آموزش علی‌رغم اطلاعات محدود دانست. در عین حال می‌توان زمینه‌هایی را که بهره‌برداران اطلاعات محدودی در آن دارند، جزء نیازهای نامحسوس و آتی آنها در نظر گرفت. همچنین بین دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان در دو مورد هماهنگی وجود دارد: آشنایی با روش‌های مدیریت مزرعه در مواقع بحرانی و آشنایی با نحوه بیمه محصولات کشاورزی. جالب توجه است که این دو مورد از نظر هر دو گروه در اولویت اول و دوم قرار دارند. اولویت سوم کارشناسان را می‌توان جزء نیازهای نامحسوس بهره‌برداران اعلام نمود.

بررسی و مقایسه دانش بهره‌برداران و نیازهای آموزشی آنان در زمینه مدیریت کارکنان مزرعه نشان می‌دهد که بین مواردی که بهره‌برداران در آن اطلاعات و دانش محدودی دارند و نیازهای آموزشی اولویت اول تا سوم در دو مورد هماهنگی وجود دارد: آشنایی با قانون کار و آشنایی با نحوه انتقال تجارب و معلومات جدید به افراد مشغول در مزرعه. در مورد سوم یعنی آشنایی با شیوه‌های ارزیابی تنها یک مرتبه اختلاف وجود دارد. همچنین بین دیدگاه کارشناسان و بهره‌برداران در زمینه نیازهای آموزشی بهره‌برداران در هر سه اولویت هماهنگی وجود دارد.

منابع و ماخذ :

- آرشیل، ا. (۱۳۷۶). ویژه نامه اجلاس جهانی غذا. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۱۹، سال پنجم، ص ۴۲-۳۶.
- برخوردار، ا. (۱۳۷۲). بررسی و نیاز سنجی آموزش مدیران سازمان جنگل ها و مراتع کشور در سه سطح (عالی، میانی، اجرایی و عملیاتی). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- حاجی میر رحیمی، د. و زمانی، غ. (۱۳۸۱). تدوین الگویی برای سنجش نیازهای آموزشی و حرفه ای مروجین کشاورزی در استان فارس. مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۳، شماره ۲.
- حقی، م. (۱۳۷۳). کشاورزی و مسائل مالی، اجتماعی، نهادی و سرمایه گذاری. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۶، سال دوم، ص ۶۴-۵۲.
- دبرتین، د. (۱۳۷۶). اقتصاد تولید کشاورزی. ترجمه محمد قلی موسی نژاد و رضا نجارزاده، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد.
- ذوقی، م. (۱۳۷۶). بررسی نگرش ها و نیازهای آموزشی کارشناسان ترویج سازمان کشاورزی خراسان نسبت به کشاورزی پایدار. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- سوان سون، ب. (۱۳۸۱). بهبود ترویج کشاورزی. ترجمه، غلامحسین صالح نسب، انتشارات معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری وزارت جهاد کشاورزی.
- شکری خانقاه، م. (۱۳۷۶). بررسی مسایل بازاریابی محصولات کشاورزی. جهاد، شماره ۲۰۱-۲۰۰، سال هفدهم، ص ۴۶-۳۸.
- صدر الاشرافی، م. (۱۳۷۱). اصول مدیریت و مدیریت کشاورزی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ضیایی نجف آبادی، م. (۱۳۷۵). بررسی نیازهای آموزشی کارکنان مرکز تحقیق درجه یک منابع طبیعی و امور دام وزارت جهاد کشاورزی به منظور بهسازی و برنامه‌ریزی آموزشی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- علی بیگی، ا. (۱۳۷۵). بررسی نیازهای آموزشی مروجان مراکز خدمات کشاورزی استان اصفهان و حمایت‌های مورد نیاز آنها در پیشرفت اهداف و ترویج. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- فقیهی رضایی، م. (۱۳۷۴). بررسی نیازهای آموزشی مدیران و ترویج جهاد سازندگی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- کسل، ن. و بکر، م. چ. (۱۳۶۰). مدیریت امور مزرعه. ترجمه: اسماعیل شهبازی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- موسایی، ج. (۱۳۷۶). بررسی نیازهای آموزشی مروجین امور دام استان فارس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- Boehlje, M; Dobbins, c. & Miller, A. (2002). Are your farm business management skills ready for the 21 st century?. Available in: <<http://www.ces.purdue.edu/extmedia/ID/ID-244.pdf>>.
- Boehlje, M. & Gray, A. (2002). Strategic positioning for the farm business: operant and analysis tools. In: <http://www.agcom.purdur/extension/sbpcp/resources>
- Breazeale, D.; Myer, G. & Hill, G. (2001). What do you know about your clients? Implication for extension financial management training . Available in: <<http://Jae.org/jae/2001december/tb5.html>>.
- Kemp, D. R. J.; Girdwood, K.; Parton. A. & Charry, A. A.. (2004). Farm management: rethinking directions? In: <http://www.afbmnetwork.orange.usyd.edu.au/afbmjournal>.
- Rolls, M. J. (2001). Review of farm management in extension programs in central and eastern European countries and agricultural organization of the United Nations. Rome, Italy.
- Young. R. C. (1998). Selective client approach in extension work: a study of contact farmers in Bangladesh. *Journal of extension system*. 6 (1): 74-76.